

جلال الدین سلیمی^۱

چکیده:

رقابت و اختلافات مستمر در طول سالیان متمادی باعث شده که روابط سیاسی و امنیتی ایران و عربستان مورد هجمه شدید و تقابل با یکدیگر در مسایل و رویکردهای منطقه‌ای و جهانی قرار گیرد و این دو بازیگر و کنشگر فعال منطقه خاورمیانه را با توجه به داشتن تنش شدید در شرایط موجود تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی به سمت تعارض و موازنه قوا بکشاند. هدف اصلی این پژوهش بررسی عوامل تقابل سیاسی و امنیتی در سطح منطقه و جهانی است. نویسنده با بهره‌گیری از روش‌شناسی توصیفی و تحلیلی درصدد پاسخ به این پرسش مهم است که عوامل تقابل سیاسی و امنیتی ایران و عربستان در سطوح رویکردهای منطقه‌ای و جهانی کدامند و چه تاثیری در روابط خارجی این دو کشور گذاشته است؟ در پاسخ به این پرسش، زمینه‌ها و عوامل تقابل سیاسی و امنیتی این کشورها که باعث ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای در برابر نفوذ ایران خواهد شد مورد بررسی قرار گرفت.

واژگان کلیدی: عوامل تقابل، ایران، عربستان، رویکردهای منطقه‌ای و جهانی

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی روابط بین‌الملل، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ایران و عربستان در چرخه مسایل سیاسی و امنیتی با توجه رویکردهای منطقه‌ای و جهانی به دلایل حساسیت‌های ژئوپلیتیکی رقابت‌های گوناگونی را در سیر تحولات خاورمیانه انجام می‌دهند که تأثیرات گسترده‌ای در روابط خارجی بین دو کشور خواهد گذاشت. ادامه جنگ و آشوب‌های کشورهای عراق، لبنان، یمن و سوریه در روابط و همکاری دو جانبه ایران و عربستان تقابل سیاسی و امنیتی را تشدید کرده است و از آنها دشمنی که به خون هم تشنه هستند را به راه انداخته است. دولت‌های ملی که در سطح قدرت جهانی و منطقه‌ای هستند بر مبنای منافع ملی و ارزش‌های ایدئولوژیکی خود رفتار دوستانه یا همگرایانه با بازیگران همسو و رفتار رقابتی و حتی دشمنانه و خصمانه با کشورهای غیر همسو در مناطق حساس ژئوپلیتیکی دارند. در این مسایل روابط میان دولت‌ها یا بازیگران شکل‌های غیر متعارفی به خود می‌گیرد که در صورت نبود منافع دو طرف در جهت حفظ و حفاظت و تامین منافع ملی و گسترش حوزه نفوذ خود سعی بر سبقت گرفتن از رقیب خود عمل می‌کنند تا نقش آفرینی خود را به نمایش بگذارند. عربستان با تشکیل ائتلاف و راهبردهای موثر در موازنه قدرت از نفوذ هرچه بیشتر جمهوری اسلامی ایران در منطقه جلوگیری می‌کند و همچنین وزن ژئوپلیتیکی و قدرت نسبی ایران را در منطقه تا حدودی توانسته کاهش دهد. البته عربستان با حمایت‌های مالی گسترده از کشورها و جنبش اسلامی به دنبال حوزه نفوذ خود بوده است تا تأثیری گذاری خود را در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس گسترش بدهد.

چارچوب نظری

روابط خارجی ایران و عربستان از گذشته‌های دور که با نظریه واقع‌گرایی در رویکردهای منطقه‌ای و جهانی تبیین می‌شود را ترسیم می‌کند. رقابت‌های منطقه‌ای با یکدیگر به لحاظ تقابل سیاسی و امنیتی و اختلافات و دشمنی علنی که با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف هویتی، قومی، جنگ‌های نیابتی، تبلیغات رسانه‌ای ضد هم در اتحاد و ائتلاف سازی به تضعیف و افزایش هزینه‌های بازیگری در عرصه بین‌الملل مشغول هستند که ادامه این روند منتهی به واگرایی و رقابت منفی بین این دو کشور در حوزه‌های ژئوپلیتیک و افراطی‌گری و تندروی حاکمان عربستان خواهد شد. تحولات عربی باعث شده سیاست خارجی تهاجمی از سوی عربستان اعمال شود و این کار رقابت میدانی با ایران را بر سر هژمونی منطقه‌ای افزایش داده است.

پیشینه تاریخی

حکومت عربستان از بدو تاسیس آل سعود بر مبنای اجماع قبیله‌ای و خاندان سلطنتی بوده است. میزان خشونت این کشور با همسایگانش به شدت افزایش پیدا کرده است و به سوی یک

سیاست و راهبرد تهاجمی و فشار و حذف مخالفان داخلی و همچنین دشمنی و شیطنت علنی با ایران و پشتیبانی با اسرائیل را در پیش گرفته است. بدون تردید جزو ابر قدرت‌های منطقه خلیج فارس هستند و بررسی روابط دو کشور و نقش آنها در رویدادهای مختلف منطقه اهمیت زیادی دارد. همگرایی دو کشور ایران و عربستان به دلایل کاملاً بی‌منطق در وضعیت مبهمی قرار دارد. رقابت‌های دورن منطقه‌ای بیشتر بر سر قدرت و تعیین جایگاه نخست در بین کشورهای منطقه است. عقایدی هم بر سر مساله رهبری جهان اسلام توسط دو کشور را بیش از پیش رقابت آمیز تر کرده است. (اسدی، ۱۳۸۸: ۶۸-۱۲۱)

اهداف کلان اصول سیاست خارجی عربستان سعودی

- ۱- همگانی با مبانی شریعت اسلامی به عنوان قانون پادشاهی عربستان سعودی
- ۲- احترام به اصل حاکمیت و عدم دخالت در امور داخلی هیچ دولتی و مردود دانستن هر گونه تلاش برای دخالت در مسایل داخلی آن
- ۳- تلاش برای بسط صلح و عدالت بین‌المللی و مردود دانستن استفاده از قدرت و زور و هر گونه عملی که صلح جهانی را تهدید کند و یا منجر به تحکیم ظلم و طغیان شود
- ۴- محکوم کردن تمامی اشکال و روش‌های تروریسم جهانی و تاکید بر برائت اسلام از هر گونه فعالیت تروریستی
- ۵- پایبندی به حقوق بین‌الملل و معاهدات و میثاق نامه‌های چند جانبه و دو جانبه و احترام به آنها در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی
- ۶- حمایت از مسایل عربی و اسلامی در محافل بین‌المللی از طریق کمک مداوم و با تمامی مسایل سیاسی و دیپلماتیک و اقتصادی
- ۷- عدم تعهد اتحادها و ائتلاف‌هایی که به صلح و امنیت بین‌الملل آسیب برساند و احترام به حق تعیین سرنوشت و حقوق قانونی ملتها در دفاع از خود
- ۸- بکارگیری سیاستی مستحکم و متوازن در زمینه تولید و فروش نفت با توجه به منزلتی که پادشاهی عربستان به عنوان بزرگترین تولید کنندگان و دارنده بیشترین ذخایر نفتی در جهان است.

واگرایی منطقه‌ای و ریشه‌یابی مسایل سیاسی و امنیتی و اختلافات ایران و عربستان

عربستان از دیدگاه خود ایران را خطری جدی تلقی می‌کند. پادشاهی عربستان معتقد است چشم‌انداز و رقابت‌ها و ضدیت آنها میان این دو کشور ریشه‌دار؛ عمیق و حل نشدنی است. بنابراین عربستان باید در پی تغییر رژیم در ایران بود. حکومت سعودی سیاست‌های ضد ایرانی

آمریکا در دوران اوباما و ترامپ را فرصتی طلایی و موقعیت دست‌یافتنی برای خود تلقی کرده است.

موانع همکاری ایران و عربستان سعودی

- ۱- تفاوت‌های قومی و مذهبی که شامل شیعه و سنی: اعراب بر سر رهبری منطقه و جهان اسلام اختلاف دارند
- ۲- تفاوت ساختارهای سیاسی که شامل رژیم پادشاهی عربستان و جمهوری اسلامی ایران براساس ولایت فقیه
- ۳- تفاوت در دیدگاه سیاسی و امنیتی که عربستان به برنامه‌های هسته‌ای ایران بدبین هستند و صف‌بندی‌هایی را با قدرت‌های هسته‌ای جهان دارند و قرار گرفتن زیر چتر هسته‌ای آنها و صدور اعلامیه به دولت‌های منطقه برای دوری از تسلیحات کشتار جمعی و تسلیحاتی
- ۴- بی‌اعتمادی و رقابت مستمر عربستان که دارای موضع سنتی حفظ وضع موجود و تقابل سیاسی و امنیتی یا قدرت‌های منطقه‌ای
- ۵- ساختارهای اقتصادی غیرمکمل که هر دو از عمده‌ترین صادرکنندگان نفت به منطقه و جهان هستند و اقتصاد هر دو کشور تک محصولی به حساب می‌آید و در این وضعیت نمی‌توانند از طریق تکمیل کردن هم به تعامل اقتصادی سازنده‌ای با یکدیگر برسند
- ۶- دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای که عربستان پایه راهبرد امنیتی خود را با آمریکا و متحدانش در قالب شورای همکاری خلیج فارس تعریف کرده و کمک به این کشورها از طریق فروش تسلیحات نظامی جهت ایجاد بازدارندگی علیه جمهوری اسلامی ایران و تجاوز آن در آینده بعد از ۱۱ سپتامبر انجام دادند.

ژئوپلیتیک منطقه‌ای و روابط ایران و عربستان در کشورهای جنگ زده خاورمیانه

جمهوری اسلامی ایران و عربستان درباره اهمیت ژئوپلیتیک و استراتژیک سوریه و بحرین که با تاکید بر ایدئولوژی و هویت در چارچوب شیعه و سنی است و همچنین براساس حفظ محور مقاومت حرکت می‌کند اما در سویی دیگر عربستان سعودی پیوند قومی عربستان با آل خلیفه و عضویت بحرین در شورای همکاری خلیج فارس را مدنظر قرار داده است. رقابت خارجی ایران و عربستان در بستر دو مکتب مذهبی متفاوت به لحاظ شیعه و سنی است که این دو مساله باعث تقابل بنیادین فهم و درک در جهان اسلام شده که به نسبت رقابت‌های قدرت در سطح درون منطقه‌ای و تضادهای امنیتی و سیاسی خاورمیانه را بیشتر کرده است. عربستان خود را داعیه‌دار جهان اسلام می‌داند و از طریق بازگشت به اسلام اولیه تلاش‌های خود را به معطوف به افزایش قدرت کرده؛ حمایت از اهل سنت از جمله داعش یا القاعده در بحران‌های خاورمیانه از اقدامات

مهم عربستان بوده است. تقابل سیاسی و امنیتی در مسایل ایدئولوژیک دو کشور شکل گرفته است. دیدگاه دو دولت به جهان اسلام متفاوت می‌باشد. دولت ایران با ایدئولوژی شیعه و حکومت عربستان با تکیه بر اهل سنت. سیاستگذاری متضاد دو کشور در دو قالب که به دلیل اختلاف و تضاد گفتمانی و معنا شناسی از جهان اسلام را دارند تبدیل به یک بحران منطقه ای گسترده بین آنها در سال‌های اخیر ایجاد کرده است. (Commins, 2014)

عناصر تعیین کننده رقابت ایران و عربستان در عراق و یمن

- ۱- جلوگیری از تروریسم و عدم ادامه شکل‌گیری داعش
- ۲- اهمیت تنگه باب‌المندب
- ۳- حمایت ایران از حوثی‌ها (انصارا...)
- ۴- حمایت عربستان از القاعده و داعش
- ۵- تلاش طرفین برای نزدیکی به هیات حاکم بر عراق و تاثیرگذاری بر آنها

رفتار شناسی ایران و عربستان در قالب سیاست‌های تقابل آمیز منطقه‌ای سوریه و عراق و یمن

- ۱- تاکید طرفین بر الگوی دوستی و دشمنی و ارزیابی هزینه و فایده
- ۲- نا امن کردن این کشورها برای فشار به دولتها
- ۳- مقابله با تروریسم به منظور جلوگیری از ورود به خاک ایران

دوران تنش و آشوب‌های خاورمیانه

ایران و عربستان رقابت‌های گسترده‌ای در تنش و آشوب‌های شدیدی از سال ۲۰۰۱ به بعد در خاورمیانه داشتند. موضوعاتی مثل جنگ داخلی سوریه از سال ۲۰۱۱ تاکنون؛ جنگ خلیج فارس در سال ۲۰۰۳؛ اختلاف و بحران تشکیل دولت و حاکمیت داخلی لبنان از سال ۲۰۰۸ به بعد؛ ارتباط‌گری با اسرائیل؛ صلح اعراب با اسرائیل؛ فرقه‌گرایی منطقه‌ای و تقویت گروه‌های تروریستی؛ همکاری با قدرت‌های بزرگ جهانی در سطح جهانی و بحران داخلی بحرین از سال ۲۰۱۴ تاکنون همگی علایم اختلافات اساسی و بنیادینی است که بین دو کشور در جریان است که بیش از اینکه تحت چارچوب قدرت و هژمونی باشد برآمده از واقعیت‌های جدال برسر دیدگاه‌های مختلف و متفاوت در سطح روابط بین‌الملل است که باعث شده منطقه خاورمیانه به میدان جنگ تبدیل شود. (اسدی، ۱۳۸۸: ۱۲۸ - ۱۳۸)

نبرد امنیتی خاورمیانه

جمهوری اسلامی ایران در وضعیت آشفته و آنارشی منطقه خاورمیانه مثل هر کشوری به فکر به تثبیت رساندن قدرت خود است. ایران رویکرد رهبری جهان اسلام را در پیش گرفته است و در تلاش جهت توسعه قدرت خود در این محیط هرج و مرج منطقه‌ای و خلاهای امنیتی که

منشا آن اختلافات مذهبی و ژئوپلیتیکی حاکم است، می‌باشد. ایران رقابتی گسترده با عربستان در راستای تسلط بر خلیج فارس دارد. این رقابت به قدری عظیم است که دامنه آن به نیروهای شبه نظامی شیعه و سنی (جنگ نیابتی) نیز کشیده شده است. با توجه به اتحاد استراتژیک آمریکا و اروپا با عربستان در منطقه خاورمیانه نگرانی‌ها و اختلافات شدید و عمیقتری با عربستان شکل گرفته است. (Mabon,2013:101-105)

خاورمیانه به عنوان یک زیر مجموعه سیستم جهانی که از منطق قدرت در ارتباط و روابط بین دولت‌ها پیروی می‌کند. خاورمیانه به لحاظ فرقه‌گرایی نقشی ویژه را در عرصه سیاست جهانی بازی می‌کند؛ اما تقابل سیاسی و امنیتی ایران با عربستان خیلی فراتر از سایر کشورهای دیگر است که این ناشی از رقابت‌های بی حد و مرز فرقه‌گرایانه مسلح کردن گروه‌های وابسته می‌باشد. این عامل به علاوه می‌توان شکاف‌هایی قومیتی را در این منطقه شامل (نژادهای ترک؛ عرب؛ فارس و کرد) روند و جریان بازی قدرت را بین این دو کشور ایران عربستان را بغرنج‌تر و پیچیده‌تر کند. (Mabon,op.cit:101)

آثار ساختار هویت و ژئوپلیتیک بر سیاست خارجی ایران و عربستان

در رابطه با موضوع هویت اشاره به نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران مثل هویتی ایرانی و اسلامی شیعه است. در حالی که در نقطه مقابل هویت عربستان سعودی عرب اسلامی سنی و سلفی و طرفدار غرب است. این هویت‌ها با تعریف از خود برداشت از دیگری را مشخص و منافع ملی و ایفای نقش و اقدامات هر بازیگر فعال منطقه‌ای را که متأثر از شرایط داخلی و بین‌المللی خودشان می‌پردازند. از سوی دیگر بحث ساختار قادر به تبیین روابط براساس جابجایی توزیع قدرت در سطح ساختار امنیت بین‌الملل شکل می‌گیرد. ما شاهد دو نوع ساختار متفاوت دو قطبی و چند قطبی در سطح نظام بین‌الملل و آثار این مسایل و به ویژه نقش آمریکا به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی با توجه به نوع روابط خارجی با دو کشور ایران و عربستان هستیم. منطقه خلیج فارس به واسطه اهمیت ژئوپلیتیکی از جمله مناطقی در جهان محسوب می‌شود که به تلاقی نیروهای متضاد با بیشترین تنش مواجه بوده است. این مساله باعث شده تا کشورهای قدرتمند جهان توجه خاصی به این منطقه استراتژیک داشته باشند. سقوط شاه ایران و ژندارم آمریکا در منطقه؛ جنگ ایران و عراق و تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و حمله عراق به کویت و حضور نظامی آمریکا در کشورهای عربی از سال ۲۰۰۳ و تحولات پس از آن و طرح خاورمیانه بزرگ و همچنین فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تشدید تحریم‌های امریکا و سازمان‌های بین‌المللی از آثار مخرب و تیر و تار شدن روابط خارجی ایران و عربستان می‌باشد.

تعارض ایدئولوژیک در منطقه

تعارضات ایدئولوژیک بین ایران و عربستان فراتر از شکاف سیاسی و امنیتی بروز و ظهور پیدا کرده و این به‌عنوان اهرمی برای افزایش شکاف سیاست‌های دو کشور شده است. نوع برداشت و سطح تحلیل سیاست خارجی ایران مقدمه‌ای برای ایجاد شرایط براندازی و تزلزل سیاسی و امنیتی در عربستان و سست کردن پیوندهای این کشور با متحدان فرامنطقه‌ای آن می‌داند.

معادلات پیچیده فرامنطقه‌ای با کشورهای خاورمیانه

برای حضور مستمر و کیفیت ارتباط بیشتر با قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و ناتو که به‌دنبال بازدارندگی نظامی، اقتصادی و سیاسی را در منطقه خلیج فارس جولان دهند با هدف دستیابی به منافع خودشان در این منطقه حضور دارند که این باعث بروز بی ثباتی امنیتی در منطقه خواهد شد. (امامی، ۱۳۸۲: ۷۲۰-۷۲۲) حمایت قدرت‌های برتر بین‌المللی از رژیم‌های پادشاهی خاورمیانه و عدم واکنش منفی آنها نسبت به اقدامات یک طرفه و یک جانبه پادشاهان و حاکمان که ابزار اصلی تامین منافع این قدرت‌ها محسوب می‌شوند؛ باعث شده تا حمایت و پشتیبانی برای ایجاد حرکت‌های دموکراتیک در منطقه صورت نگیرد و اجازه انجام چنین فرآیندی به نظام‌های سیاسی منطقه داده نشود. اهداف خاورمیانه جدید یا خاورمیانه گسترده حمایت از شکل‌گیری جوامع دموکراتیک در منطقه است. (خوش خطی و امجدی، ۱۳۸۶: ۲۴۱-۲۴۴) با این حال در شرایط کنونی به دلیل وابستگی نظام بین‌الملل به انرژی حوزه خلیج فارس از یک طرف و ظرفیت و پتانسیل بالای کشورهای حاشیه خلیج فارس جهت خرید تسلیحات نظامی غربی که درآمد زیادی نصیب غرب می‌کند تا قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای حفظ درآمد-های حاصل از فروش تسلیحات جنگی و از طرف دیگر تجربه اشغال افغانستان و عراق که منجر به گسترش قلمرو و نفوذ جریان فکری خاص و بنیادگرایی افراطی در منطقه شدند. بدنبال حمایت از نوعی دموکراسی از قبل تعیین شده در این منطقه طی عملیات حساب شده و تاخیری به مکراسی که مورد نظر قدرت‌های بزرگ است و ایده آل‌های آنها در آن لحاظ می‌شود و منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای تامین می‌گردد، برسد.

تاثیر آمریکا بر روابط عربستان با ایران

از سال ۱۹۳۲ عربستان به یک پادشاهی متحد تبدیل شد تاکنون تمام پادشاهان این کشور به درجه‌های متفاوت وابستگی و همکاری با آمریکا را به عنوان یک اصل و قانون طلایی دنبال کرده‌اند. (دهشیر، ۱۳۹۲: ۵۰) اگر چه عربستان را نمی‌توان کشور دست‌نشانده آمریکا به شمار آورد؛ اما سیاست خارجی این کشور از چندین دهه پیش بر مبنای همسویی با سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا پایه‌گذاری شده است. این کشور همواره در پی افزایش قدرت نظامی و نفتی

خود در راستای ایفای نقشی موثر در منطقه و در رقابت با ایران بوده است. نیاز پادشاهی عربستان به امنیت و نیاز آمریکا به داشتن یک متحد منطقه‌ای برای مهار جمهوری اسلامی ایران باعث شده است که سیاست‌های ترامپ و بن سلمان علیه به هم گره بخورد. (Hart, 1998: 11)

در حال حاضر آمریکا مهمترین کشور تاثیرگذار بر سیاست خارجی عربستان به ویژه در سیاست منطقه‌ای این کشور است و عربستان نیز بزرگترین کشور خریدار تسلیحات جنگی از آمریکا است. پمپئو وزیر خارجه می‌گوید عربستان متحد مهمی برای آمریکا است. ترامپ عربستان را محور راهبردی مقابله با ایران و دفاع از اسرائیل در منطقه می‌داند و حتی بر این عقیده است که قتل خاشقچی نباید این محور را تضعیف کند. ترامپ به طور علنی گفته بود که ما ۷ هزار میلیارد دلار در منطقه هزینه کرده‌ایم و حالا کشورهای پولدار عرب باید آن را به ما پس بدهند. چون آنها چیزی به جز پول ندارند (موسویان، ۱۳۹۷: ۸) همچنین ترامپ گفت: عربستان بدون حمایت ما دو هفته هم بیشتر دوام نمی‌آورد و نمی‌تواند زندگی کند (ظریف، ۱۳۹۷: ۴) لیندسی گراهام سناتور آمریکایی نیز در گفتگو با تلویزیون فاکس نیوز در اوایل آذر ۱۳۹۷ گفت: اگر به خاطر حمایت‌های آمریکا نبود سعودی‌ها ظرف یک هفته مجبور می‌شدند فارسی صحبت کنند (گراهام، ۱۳۹۷: ۷) باید توجه و دقت داشت که سیاست امنیتی آمریکا در خاورمیانه براساس مقابله با کشورهای رادیکال تنظیم شده است (متقی، ۱۳۹۰: ۹۹) بنابراین همزمان از منابع و ظرفیت‌های دولت سعودی برای مهار نقش فزاینده منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و فشار حداکثری بر ایران استفاده می‌کنند.

برجام و خارج شدن از مذاکرات در شرایط فعلی به نفع عربستان و رژیم صهیونیستی

عربستان از جمله بازیگران فعال منطقه‌ای است که با ابراز نگرانی‌های شدید برای توافق هسته‌ای ایران در ژنو این معاهده را در راستای منافع امنیت ملی خود نمی‌بیند و برای برهم زدن و توقف این مذاکرات تلاش‌های فراوانی را انجام داد که ایران را در این میز مذاکره به سمت باخت سوق بدهد و قدرت و نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا کاهش و تنزل بدهد. عجله برای برهم زدن مذاکرات و خروج از برجام در برهه کنونی را به نفع رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی است. تا جایی که می‌توانیم و تا جایی که منافع ملی ما ایجاب می‌کند و بر اساس همان سه اصل مصلحت، عزت و حکمت تلاش کنیم با اروپا، روسیه، چین، ژاپن، کره و هند که مهمترین شرکای تجاری ایران هستند به نتیجه می‌رسیم. اگر چنین تلاش‌هایی به نتیجه رسید که به نفع کشور است اما اگر این‌گونه نشد می‌توان با سازوکارهای داخلی امور کشور را سامان داد. اما نباید فراموش کرد که هم خوشبینی افراطی و هم بدبینی بی‌اندازه می‌تواند به همین منافع ملی آسیب رساند. در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی و کشور از این نوع

خوشبینی‌ها و بدبینی‌های افراطی به شدت آسیب دیده و متضرر شده است. اما این واقع‌بینی است که می‌تواند منافع ملی کشور را حفظ کند. با توجه به مشکلات عمده و ساختاری اقتصاد ایران که قدمتی بیش از یک قرن دارد، توجیه منطقی نداشت. گروه دومی که از مسیر واقع‌بینی درباره برجام دور شدند، عده‌ای دیگر هم آن را توافقی بدون دستاورد دانستند. اما با مشاهده دستاوردهای غیرقابل انکار برجام و نیز طی ماه‌های گذشته پس از خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌ها، متوجه دستاوردهای برجام خواهند شد و با پاسخ این پرسش روبرو می‌شوند که اگر برجام دستاوردی نداشته چرا با ابهام در کارکرد آن این همه هیاهو به راه انداخته‌اند. در ۱۰ بند بیانیه پایانی خانم موگرینی مشخص است که پنج کشور طرف ایران، یعنی انگلیس، فرانسه، آلمان، روسیه و چین، کف مطالبات و خواسته‌های ایران را مورد توجه قرار داده و رعایت کرده‌اند. موضوع صادرات نفت، محصولات پتروشیمی، میعانات گازی و کشتیرانی در این بیانیه مورد توجه قرار گرفته و درباره موضوعاتی چون بیمه و امور بانکی هم نیازمند توافق نامه اف ای تی اف هستیم. در این مباحث که اساسا ربطی به برجام ندارد، تا زمانی که بحث اف ای تی اف را به صورت جدی پیگیری نکنیم، مشکلات باقی خواهند ماند. با تمام این امتیازاتی که در بیانیه نشست کمیسیون برجام مورد توجه قرار گرفته آنچه موجب می‌شود که ایران بسته پیشنهادی اروپا را ناکافی بداند، سازوکارهای اجرای این بسته و بیانیه است مشخص است که بسته پیشنهادی برجام حداقل‌های مورد نظر ایران را داراست اما باید مشخص شود که برای اجرای بندهای آن چه تمهیداتی اندیشیده می‌شود. این بسته‌ها نباید از جنس بسته‌های پیشنهادی ترویکای اروپا در اوایل دهه هشتاد و در زمان آقای سولانا باشد. ایران انتظار دارد که مشخص شود شرکت‌های طرف قرارداد با ایران، نگرانی بابت تحریم‌ها نخواهند داشت و ارزش‌های حاصل از فروش نفت و دیگر تبادلات از طریق سیستم امن بانکی به دست ایران خواهد رسید، همچنین چگونگی هماهنگی در این زمینه میان چین، روسیه و اتحادیه اروپا هم موضوع بحث است.

ایران و توازن قوای در حال ظهور منطقه‌ای

به واقع از نگاه نخبگان سیاسی - امنیتی ایران یک رابطه مستقیم بین تقویت قدرت ملی ایران و حفظ جایگاه این کشور در توازن قوای منطقه‌ای وجود دارد. این مسئله هم به لحاظ بهره برداری از امتیاز ژئوپلیتیک ایران در قالب ادغام اقتصادی ایران با منطقه و هم به لحاظ دفع تهدیدات متقارن و نامتقارن جاری برای امنیت ملی حائز اهمیت می‌شود. تهدیدات متقارن به آمریکا، اسرائیل و اخیرا فعالیت‌های عربستان سعودی علیه ایران در منطقه مربوط می‌شوند. تهدیدات نامتقارن هم به فعالیت‌های داعش و شبکه‌های تروریستی وابسته به القاعده در اطراف مرزهای ایران می‌شوند که خطرات جدی برای امنیت ملی کشور به همراه دارند. در این چارچوب، هر چند

تمایل به تقویت همکاری‌های منطقه‌ای همواره در استراتژی سیاست خارجی ایران قوی بوده، اما همزمان نیاز داشته تا با اصل ثابت دیگر سیاست خارجی ایران یعنی بازدارندگی تهدید از منطقه به شکل به نوعی تعادل برسد. همین مسئله سبب شده تا حضور ایران در منطقه از سوی رقبای ژئوپلیتیک این کشور در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گسترش خواهانه تلقی شود. این در حالی است که ایران حضور منطقه‌ای را بیشتر در قالب دفع مشکلات منطقه‌ای و برای افزایش امنیت نسبی خود ضروری می‌داند. همچنین ایران معتقد است که افزایش اتصال منطقه‌ای به رشد اقتصادی این کشور کمک می‌کند که همین خود لازمه ایفای نقش فعال سیاسی در محیط ژئوپلیتیک خود است. ظهور داعش و اکنون شکل‌گیری ائتلاف ضد ایرانی در منطقه با هدایت سعودی‌ها و اسرائیلی‌ها که با خروج ترامپ از برجام ابعاد جدیدی یافته، سبب شده تا کفه ترازو در استراتژی سیاست خارجی ایران به نفع موضوع بازدارندگی سنگین تر شود. بعد از انقلاب اسلامی، چگونگی حفظ جایگاه ایران در توازن قوای منطقه‌ای به سه شکل مطرح شده است: نخست، ایران به عنوان قویترین کشور منطقه. دوم، ساختن ایران در یک منطقه قوی سوم، شکل‌گیری یک ایران قوی از درون. (برزگر، ۲۰۱۸)

هدف ائتلاف ضد ایرانی در منطقه



عربستان سعودی با ایجاد اتحادی ضد ایرانی به دنبال بزرگ نمایی خطر قدرت فزاینده ایران و تاثیر آن در بی ثباتی منطقه است. با نمایش برنامه هسته‌ای ایران به عنوان یک "تهدید وجودی"، سعودی‌ها و اسرائیلی‌ها تمام تلاش خود را برای مقابله با نقش منطقه‌ای ایران و ظرفیت‌های موشکی این کشور انجام می‌دهند. اهداف این ائتلاف ضد ایرانی، ایجاد یک اجماع جهانی و منطقه‌ای به منظور تضعیف سیاسی و اقتصادی ایران به ویژه ترغیب کشورهای اروپایی در پیوستن به این ائتلاف است. در مقابل، ایران با اطمینان از توانایی خود در ایستادگی در برابر این فشارها، موضع فعلی منطقه‌ای خود را حفظ و در صورت لزوم سخت‌تر خواهد کرد. همین امر احتمالاً منجر به تضعیف فضاهاى سیاسى بین طرفین برای کاهش تنش و منازعه در منطقه می‌شود. در

کنار عربستان و اسرائیل، ترامپ نیز با فشار بر کشورهای اروپایی بدنبال پیوستن این کشورها به این ائتلاف ضد ایرانی است. پیش از خروج از «برجام»، ترامپ از اروپایی‌ها خواسته بود با اصلاح آنچه او نواقص توافق هسته‌ای می‌خواند، توسعه برنامه‌های موشک‌های بالستیک و گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران را محدود سازند. همزمان نیز عربستان سعودی تلاش کرده است با اعطای مشوق-های اقتصادی به آمریکا و کشورهای اروپایی، بخصوص فرانسه و انگلیس، حمایت‌های بین‌المللی بیشتری برای ائتلاف ضد ایرانی خود بدست آورد. منطق محوری این ائتلاف این است که ایران نقش و نفوذ منطقه‌ای خود را به بهای منافع عربستان سعودی و متحدان منطقه‌ای‌اش افزایش داده است. گروه‌های شبه نظامی دوستدار ایران نظیر حزب... لبنان، بسیج مردمی عراق (حشد الشعبی)، و حوثی‌ها در یمن با تقویت موقعیت خود به ترتیب در سوریه، عراق و یمن، ساختارهای سیاسی جدیدی را در جهان عرب ایجاد کرده‌اند. روند تحولات توازن قدرت در منطقه را به نفع ایران و به ضرر سعودی‌ها و اسرائیلی‌ها تغییر داده است. به واقع، شکست نظامی داعش در عراق و بخش اعظمی از سوریه، گفتگوهای سیاسی ادامه‌دار میان دولت اسد، ایران، روسیه و ترکیه و نقش تعیین‌کننده ایران در خنثی‌سازی رفراندوم استقلال دولت اقلیم کردستان عراق در سپتامبر ۲۰۱۷، همگی در تضاد با منافع سعودی‌ها و به نفع ایران بوده‌اند. همچنین علی‌رغم بمباران گسترده و مداوم مردم یمن، سعودی‌ها قادر به بازگرداندن منصور هادی به رأس قدرت دولت یمن نبوده‌اند. این در حالی است که قدرت نظامی حوثی‌ها در حال افزایش بوده، امری که در حمله‌های موشکی این گروه به عربستان سعودی کاملاً مشهود است. البته هدف نهایی این ائتلاف نه لزوماً آغاز یک جنگ، بلکه ایجاد یک اجماع بین‌المللی است که قدرت ایران را مهار و موقعیت دولت این کشور را در داخل تضعیف کند، بنحوی که سیاست منطقه‌ای این کشور از درون به چالش کشیده شود. به ویژه که اعضای این ائتلاف معتقدند صداهای متفاوتی در داخل ایران نسبت به سیاست منطقه‌ای این کشور شنیده می‌شوند. پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا جانی دوباره به تلاش‌های ضد ایرانی سعودی‌ها و رژیم اسرائیل بخشید. ترامپ با استهزاء و به چالش کشیدن دستاورد سیاست خارجی اواما یعنی برجام، مقابله با ایران را سر-لوحه سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا قرار داده است. به موازات آن عربستان، اسرائیل و امارات با استفاده گسترده از لابی‌گری و مشوق‌های مالی خود سعی در اقناع ترامپ به پیروی از مدل "سیاست مهار" آنها دارند. تمرکز این ائتلاف ضد ایرانی، اول از همه بر ایجاد سردرگمی استراتژیک در باره پیامدهای منفی برجام برای منافع امنیتی آمریکا متمرکز است. در قدم دوم این ائتلاف سعی کرده است تا موقعیت دیپلماتیک و اقتصادی ایران را بواسطه فشار بر کشورهای اروپایی برای انتخاب میان ایران و آمریکا تضعیف کند. در قدم سوم، این ائتلاف تمام تلاش خود را

کرده تا ارتباط میان ایران و جهان عرب را کمرنگ کند. از نگاه ایران، یکی از دلایل اصلی تیره شدن روابط عربستان و قطر، تلاش ناکام ریاض در فشار بر دوحه برای کاهش روابطش با ایران بوده است. سعودی‌ها تاکتیک اشتباه و مشابه‌ای را در مجبور کردن سعد حریری نخست‌وزیر لبنان به استعفا به کار گرفتند. تهران مقابله خصمانه ائتلاف ضد ایرانی جاری نسبت به نقش ژئوپلیتیک خود در منطقه را به عنوان طرحی برای حداقل کردن مشارکت ایران در حل بحران- های منطقه‌ای ارزیابی کرده و اینکه منجر به تضعیف بیشتر دولت‌ها و نهادهای جهان عرب می‌شود. اطمینان ایران از موقعیت منطقه‌ای‌اش به نوبه خود نتیجه دهه‌ها همکاری با شبکه‌ای از متحدان منطقه‌ای دولتی و غیردولتی است که می‌تواند در جهت دفاع از منافع خود به کار بگیرد. البته برخلاف تصور برخی دیدگاه‌ها در جهان عرب و غرب که دلیل نقش فزاینده ایران را در بی- ثباتی در منطقه در نظر می‌گیرند، ایران از تداوم بحران‌های جاری در منطقه راضی نیست. چون هرج و مرج در منطقه به ویژه که به مرزهای ایران نزدیکتر می‌شوند، تهدید جدی امنیتی به حساب آمده و هزینه‌های زیادی را بر کشور تحمیل می‌کنند. تشدید تنش‌های منطقه‌ای و ظهور داعش تهدید مستقیم امنیت ملی در مرزهای این کشور با عراق و افغانستان به حساب می‌آیند. همچنین، ایران تهدیداتی را که این ائتلاف ضد ایرانی متوجه این کشور در منطقه می‌سازد را رصد کرده و سعی در دفع آنها از طریق یک سیاست بازدارنده سه جنبه‌ای داشته است: نخست، خودداری از تشدید تنش‌ها، دوم، همکاری متوازن و سوم، تقویت نیروهای دوست در منطقه است. به عنوان مثال، در یمن (برخلاف سوریه) ایران آگاهانه حضور مستقیم نظامی خود در میدان منازعه را محدود کرده است. در سوریه، این کشور تمایل چندانی به تشدید تنش‌ها با رژیم اسرائیل ندارد و در تاسیس پایگاه‌های نظامی در جنوب سوریه محتاطانه عمل می‌کند. چون معتقد است ساخت چنین پایگاه‌هایی الزاما در راستای منافع استراتژیک تهران نیست، ضمن اینکه اطمینان دارد که می‌تواند توازن قدرت با اسرائیل را از طریق اهرم‌های نامتقارن حفظ کند. ایران منافعش در سوریه را بواسطه همکاری با روسیه و ترکیه و حمایت از گفتگوهای سیاسی برای پایان درگیری‌ها پیش می‌برد. از طرفی این کشور تقویت حزب... و حماس را به عنوان راهی برای دفع تهدیدات اسرائیل می‌بیند.

مضافا ایران از فرصت بحران قطر با هدف پرهیز از تنش بیشتر با عربستان سعودی استفاده نکرد. تقویت روابط با عمان و کویت به عنوان کشورهای میانجی از دیگر سیاست‌های ایران بوده است. این کشور همچنین در بحران سوریه از تنش با ترکیه در جنگ عفین خودداری و با آنکارا در جریان خنثی‌سازی رفراندوم استقلال اقلیم کردستان عراق همکاری کرد. در سطح بین‌الملل نیز ایران همکاری خود با اتحادیه اروپا، روسیه و چین برای حفظ برجام را ادامه می‌دهد و همواره بدنبال راهی برای خودداری از تشدید تنش با دولت ترامپ بوده است. مهم‌ترین چالش‌های

امنیتی دهه‌های اخیر ایران نظیر جنگ با عراق و ظهور داعش همواره از درون منطقه بوده است. این چالش‌ها تهران را وادار کرده‌اند تا پاسخ‌های پیشگیرانه و به موقع به تهدیدات نزدیک مرزهایش دهد. ایران، آمریکا و اسرائیل را به عنوان اصلی‌ترین تهدید نظامی برای منافع امنیتی خود می‌بیند. ظهور داعش و گسترش گروه‌های تکفیری که منافع این کشور را در منطقه و داخل تهدید می‌کنند از دیگر تهدیدات اصلی این کشور است. بر این مبنا، تهران در برابر شکل‌گیری هر نوع نظم منطقه‌ای که قدرت بازدارندگی کشورش را تضعیف کند ایستادگی خواهد کرد. نظر به اینکه ایران خواهان حفظ موقعیت خود در خاورمیانه به منظور مقابله با تهدیدات امنیت ملی‌اش است، سیاست‌های مبتنی بر تحریم، به انزوا کشاندن، محدود کردن و حمایت از بی‌ثباتی‌های داخلی ایران نه تنها راه‌حل ناامنی‌های منطقه نخواهند بود، بلکه در نهایت منجر به تشدید بی‌ثباتی‌های منطقه می‌شوند. برعکس دیدگاه ائتلاف ضد ایرانی جاری، یک ایران باثبات و متحد که مطمئن به تامین منافع منطقه‌ای خود باشد، راحت‌تر وارد تعامل و گفتگو با رقبای خود برای دستیابی به یک راه حل مورد قبول طرفین می‌شود. اکنون برجام بنیان روابط منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را به خصوص با کشورهای غربی شکل می‌دهد. بنابراین هرگونه تلاش برای از بین بردن این توافق یا به انزوا کشیدن ایران از طریق تحریم‌های اقتصادی، این کشور را تشویق به اتخاذ اقدامات سیاسی-امنیتی بیشتر برای دفاع از منافع استراتژیک خود خواهد کرد. تهران این تلاش‌ها را عبور از خط قرمزهای خود دانسته و اینکه مجبور به پاسخگویی است. ائتلاف ضد ایرانی جاری دستیابی به منافع امنیتی و اقتصادی مورد انتظار تهران از برجام را به خطر انداخته است. ایران با هدف لغو تحریم‌های بین‌المللی و دفع تهدیدات سیاسی-امنیتی توافق هسته‌ای را امضا کرد. اما اکنون هر دو در حال بازگشت هستند. (برزگر، ۱۳۹۷)

همکاری و تعارض ایران و عربستان در حوزه انرژی؛ نفت و اوپک

همکاری‌های منطقه‌ای در رشد و توسعه اقتصادی و پیشرفت کشورهای همسایه بسیار تاثیرگذار هستند. مفهوم همکاری به این معنی نیست که دو کشور منافع برابری داشته باشند و یا هیچ‌گونه اختلاف نظری پیدا نکنند. بلکه همکاری در یک وضعیت همصدایی و منازعه است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۷: ۳) و به این مفهوم است که هر دو طرف با همکاری و تعامل با یکدیگر می‌توانند منافع ملی و راهبردی سیاسی و امنیتی خود را تامین کنند. بنابراین منافع متعارض و مانع همکاری دو کشور با یکدیگر نیست. اقتصاد هر دو کشور ایران و عربستان به شدت به تولید و صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های آن وابستگی دارد. همچنین بخش وسیع درآمدهای دولتهای هر دو کشور به درآمدهای نفتی ارتباط مستقیم دارد. نزدیک به ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی و همچنین ۹۰ درصد صادرات عربستان سعودی از بخش نفت و گاز تامین می‌شود (قنبرلو، ۱۳۹۶):

۴۰) بنابراین هرچه قیمت صادرات نفت و محولات دیگر به آن بیشتر شود هر دو کشور اقتصاد انعطاف پذیرتری خواهند داشت و مردم هر دو سرزمین از رفاه بالاتری برخوردار خواهند شد. همکاری هر دو کشور در حوزه انرژی و همکاری و تعامل سازنده آنها در سازمان اوپک می تواند منافع هر دو کشور را به حداکثر برساند.

رقابت و تنش در حوزه ژئوپلیتیکی مناطق تحت نفوذ

عربستان همسویی حکومت‌های کشورهای همسایه را جز پشتیبانی امنیت ملی خود قلمداد می‌کند. این کشور از سیاست نفوذ منطقه‌ای بر حفظ ثبات سیاسی و امنیتی در حاکمیت برای چالش‌ها و مشکلات داخلی و خارجی بهره برداری می‌کنند و دغدغه و نگرانی افکار بهار عربی را به سرزمین پادشاهی خودشان را دارند و از یکسو تهدیدها و برخوردهای نظامی را تشدید می‌کنند و داعیه‌دار سلطه قدرت بر کل منطقه خاورمیانه را دارند. بازداشت و دستگیری نخست وزیر لبنان در سال ۱۳۹۶ و مجبور کردن او به استعفا و کمک مالی به دولت‌های پاکستان و اردن و قول سرمایه گذاری ۲۰ میلیاردی دلاری عربستان در پاکستان در تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۹۱ و طی سفر بن سلمان به اسلام آباد همگی در قالب توسعه نفوذ عربستان قابل بررسی و ارزیابی هستند. به طور کلی می‌توان گفت ایران و عربستان از همگرایی و با یکدیگر رقابت داشته باشند و دوران همکاری آنها با یکدیگر نسبت به دوران دشمنی تقریباً ناچیز و بی مقدار بوده است و همچنین خاورمیانه به فضای رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بین ایران و عربستان تبدیل شده است. (سریع القلم، ۱۳۹۵: ۱۳۵) باید توجه داشت که سیاستگذاری‌ها نه براساس خواسته‌ها بلکه بر مبنای توانایی‌ها؛ واقعیت‌ها و توانمندی‌ها قابلیت اجرایی دارند. براساس یک چارچوب سیاسی مبتنی بر قدرت و مدارا می‌توان رقابت و تنش‌ها را بین دو کشور را به حداقل رساند. ایران و عربستان برای عبور از بحران تنش‌های موجود و رسیدن به مصالحه و تقابل سیاسی و امنیتی باید توازن و موازنه راهبردی منطبق بر ظرفیت‌های یکدیگر تن بدهند. ایران و عربستان دو راهکار در پیش دارند یا با یکدیگر تعامل و همکاری سازنده و متقابل داشته باشند و تکیه بر اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی تاکید کنند یا اینکه به سمت رقابت سخت و افزایش دشمنی حرکت کنند که امکان دارد به درگیری و یا جنگ نظامی ختم شود. بنابراین آنها نباید شکاف‌های راهبردی و امنیتی را به تنگناهای که به طرف جنگ می‌رود، سوق داد. این دو کشور راهی جز اینکه در طول مذاکرات و گفتگوی سازنده روابط بین خود را متحول کنند و از مرزهای ژئوپلیتیک خودشان برسر موضوعات مشترک به توافق برسند تا از وضعیت فعلی که حالت جنگی دارد خارج شوند.

امنیت و سطح روابط دیپلماتیک ایران و عربستان

برای شناخت هر دو دسته روابط تقابل سیاسی و امنیتی جنگ طلبانه یا صلح آمیز را در ایران

و عربستان به‌عنوان نقطه متقابل میان امنیت؛ سطح روابط دیپلماتیک؛ قدرت و هویت در سیاست خارجی باید توجه ویژه داشته باشیم. در نگاه سنتی به امنیت فرضیه بر این است که دولت‌ها برای ایجاد امنیت فیزیکی مستحکم هستند و به دیگران هم آسیب می‌زنند اما در روابط دیپلماتیک تنها تعارض‌ها و بیان مواضع نشانه‌ای مبرم برای کنش و عکس‌العمل‌های سیاسی و امنیتی را تعیین خواهد کرد. هویت ملی وسیله‌ای است برای حفظ قدرت کارگزار که باری بوزان می‌گوید: انگیزه و اهداف بازیگران نیز باعث ایجاد معمای قدرت و امنیت می‌باشد؛ یعنی حفظ وضع موجود یا تغییر آن کشمکش میان بازیگران خواهد شد. (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶)

نتیجه‌گیری

از آنجایی که ایران و عربستان از تاثیر گذاشتن بر رویکردهای منطقه‌ای و جهانی در معادلات سیاسی و امنیتی قابل حذف نیستند باید طرفین از ادامه دشمنی و اختلاف و رقابت‌های تلافی‌جویانه نسبت به یکدیگر جلوگیری کنند تا با رفع تقابل و جنگ‌های نیابتی علیه هم به یک روابط مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانه دست پیدا کنند. حکومت عربستان یکی از حکومتی‌های هویتی است منطقه خاورمیانه است که علیرغم قوی بودن بسترهای هویتی آن کشور به ویژه دین سلام و آئین وهابیت که زمینه تشکیل و تداوم حیات سیاسی آن کشور را فراهم کرده است و مهمترین منبع مشروعیت نظام سیاسی آن کشور می‌باشد در زمینه سیاست خارجی به شدت واقع‌گرایانه و امنیتی رفتار می‌کند و آنچه در سطح روابط ایران و عربستان قابل تامل این است که تعارضات و تقابلات سیاسی و امنیتی و ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک تاثیر ساختار نظام بین‌الملل در رویکردهای منطقه‌ای و جهانی برای امنیت جویی و قدرت طلبی که فقدان هویت و هنجارهای اجتماعی و فرهنگ مشترک برای عادی سازی و روابط دوستانه است. سطح عمیق این اختلافات و رقابت طلبی‌ها با توجه به تحولات اخیر کشورهای منطقه مانند سوریه؛ عراق و یمن بر تنش و بحران امنیتی خاورمیانه در سطح تحلیل سیاست خارجی که تقابلات گسترده‌ای را در موازنه قدرت ایران و عربستان را به عنوان یک کنشگر سیاسی و امنیتی برای پیشبرد اهداف از تهدید عملی در سیاست خارجی هر دو کشور شکل گرفته است و با تدابیر مقامات امریکایی و اسرائیلی هدایت و کنترل و مدیریت می‌شود. البته بهترین روش می‌تواند به سوی همگرایی منطقه‌ای و جهانی؛ سازگاری؛ تفاهم؛ تعامل و همکاری باشد. برای نزدیک شدن و رسیدن به این مقصود طرفین باید با پذیرفتن تمام تفاوت‌ها و اختلاف نظرهای یکدیگر احترام متقابل و منافع ملی و مادی یکدیگر را به رسمیت بشناسند و بر اشتراک‌های بین خود فکر کنند تا با انجام یک مذاکره شفاف و روشن به پیوندهای سیاسی؛ امنیتی و فرهنگی و اقتصادی هر دو کشور منجر شود.

منابع فارسی

کتاب

- احمدی، حمید (۱۳۸۶)، روابط ایران و عربستان در سده بیستم، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی

- اسدی، علی اکبر (۱۳۸۹)، عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران: موازنه سازی و گسترش نفوذ، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی؛ گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس

مقالات

- احمد ساعی، مهدی علیخانی (۱۳۹۴)، بررسی چرخه تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با تاکید بر دوره ۱۳۹۲ - ۱۳۸۴؛ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۲۲

- احسان محمدی، امیرمحمد حاجی یوسفی (۱۳۹۷)، هویت؛ قدرت و امنیت جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۴۲، بهار

- احمدیان، حسن (۱۳۹۵)، تحول در سیاست منطقه‌ای عربستان: آورده‌های ملک سلمان، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره چهارم

- اسدی، بیژن (۱۳۸۶)، تاثیر توان هسته‌ای بر توازن قدرت؛ روابط و امنیت منطقه‌ای، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره یک

- برزگر، کیهان (۱۳۹۷)، ایران و توازن قوای در حال ظهور، مرکز مطالعات الجزیره، ۹ سپتامبر؛ ۲۰۱۸

- پورآخوندی، نادر (۱۳۹۷)، تحول در راهبرد نظامی عربستان: زمینه‌ها و دلایل، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۶، پاییز

- رضا رحمدل و همکاران (۱۳۹۸)، تحلیل ساختارگرایانه منازعه ایران-عربستان، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، شماره ۳۰، بهار

- سید محمد موسوی، رامین بخشی (۱۳۹۱)، تاثیر ایدئولوژیک بر سیاست خارجی عربستان در قبال ایران، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر رضا، شماره

۱۱

- شکوهی، سعید (۱۳۹۵)، نقش برداشت‌های نخبگان در تنش میان روابط ایران و عربستان سعودی، فصلنامه سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره چهارم

- شجاع، مرتضی (۱۳۸۸)، رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان و موازنه نیروها در خاورمیانه، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۳۹

- علیرضا کوهکن، سعید تجری (۱۳۹۳)، بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان (۲۰۱۱ - ۲۰۱۴)، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۰
- محمدرضا حافظ نیا، رومینا احدی (۱۳۸۸)، تحول روابط ایران و عربستان و تاثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس، فصلنامه تحقیقاتی جغرافیایی، دوره ۴۸، شماره ۸۱
- متقی، افشین (۱۳۹۴)، واکاوی زمینه‌های ناسازواری در روابط ایران و عربستان بر پایه سازه‌نگاری، فصلنامه پژوهشی راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۲
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۰)، جدال در حاشیه و رویارویی ژئوپلیتیکی با ایران، فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه، شماره پنجم
- نورعلی وند، یاسر (۱۳۹۶)، عربستان سعودی و تلاش برای موازنه سازی مجدد در برابر ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۲۰، شماره اول، بهار

English Resources

- Commins, David (2014), **The Gulf States: A Modern History**, London: I. B. Tauris Co Ltd
- Mabon, Simon (2013), **Saudi Arabia and Iran: Soft Power Rivalry in the Middle East**, London: I. B. Tauris Publisher
- Hunter, Shireen T. (2010), **Iran foreign policy in the post-soviet era: resisting the international order**. California: Santa Barbara, ABC-CLIO Publisher